

جامعه جهانی با کدام دست آورد ها

افغانستان را ترک می نمایند؟

مقدمه:

در نخستین دهه قرن بیست و یکم عیسوی افغانستان جنگ زده، آسیب رسیده، ویران شده و از انتظار افتیده شاهد حدوث وقایع، تحولات و انکشافاتی بود که از لحاظ تاریخ نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان نظیر و سابقه نداشت. حضور قوای نظامی ۴۶ مملکت را در یک کشور کوچک تاریخ جهان در هیچ برهه ای در حافظه نسپرد. سرازیر شدن کمک های معتابه غیر قابل تصور اقتصادی به پیمانۀ که گیرنده توان هضم و جذب آنر نداشت خود مبین یک توجه بی نظیر جهانی در اصول به نوسازی، انکشاف اقتصادی و رفاه مردم افغانستان بود. از بُعد سیاسی شرائط بنحوی تبارز نمود که افغانستان در محراق توجه دنیا قرار گرفته ده ها کنفرانس بین المللی برای بحث روی مسائل متنوعه افغانستان تدویر و در آنها بسویۀ رؤسای جمهور و اراکین بلند پایه ممالک اشتراک نمودند، رئیس جمهور افغانستان سفر های بیشمار را بمنظور دیدار های رسمی و مذاکرات دو جانبه و چندین جانبه انجام داد که بکلی بی سابقه است، همچنان سران دول متحابه سفر های متعدد به افغانستان نمودند. افغانستان یگانه کشوریست که نامش به ملیون ها بار در مطبوعات صوتی، تصویری و چاپی از صبح تا خفتن ذکر گردید. توضیح انگیزه های این وقایع را تکرار بی حاصل دانسته بلکه غرض اختصار بحث توجه را بیشتر به ارزیابی و تحلیل پیامد های این تحولات و انکشافات معطوف گردانیده و می نگریم که یکی از مهمترین و برانزده ترین پدیده ها بعد از نومیدی های عمیق در بین مردم در بدو مرحله وقوع این حوادث در داخل و خارج ایجاد یک ذهنیت خوش بینانه برای استقبال یک آینده درخشان و مسعود با امیدواری تأمین امنیت، صلح، رفاه، آسایش ملت، و بپا ایستادن افغانستان بحیث کشور مستقل و سرافراز مصوون از مداخلات اجانب و فراهم آوری زمینه در تمثیل اراده راستین مردم از طریق پیدایش نهاد های دیموکراتیک غرض تحقق آرمان پامال شده حاکمیت ملی بود. مردم معتقد و متدین این تحولات را لطف الهی پنداشتند و اکثریت بدون راه دادن اندیشه اشغال و تجاوز در دماغ خود آنرا وسیله رهایی و نجات ملت افغانستان از جمیع آلام، مصائب، ظلمت، وحشت و بربریت تلقی نموده و سر آغاز یک دور نوین با همه محاسن آن شمرده از آن به نیکویی استقبال نمودند. تعهدات George W, Bush رئیس جمهور اسبق امریکا که گفت ما از افغانستان در منطقه یک کشور نمونه می سازیم امیدواری ها را فزونتر ساخته و بر میزان توقعات مردم افغانستان افزود. حالا با نزدیک شدن موعد خروج از افغانستان زمان آن رسیده که بر شماریم و ارزیابی نماییم که تا چه حد این تعهدات عملی گردیده و تا چه پیمانۀ این توقعات و انتظارات واقعاً برآورده گردیده، و تا چه حدی مردم افغانستان از تمام این شرائط بی نظیر بهره مند شده و خوش بینی ها و امیدواری های شان واقعاً تا چه پیمانۀ بجا بوده است و جامعه جهانی با کدام دست آورد های مشهود بعد از دوازده سال این وطن را ترک می نمایند. تبصره های زیرین عقیده نویسنده بوده اما متکی بر مطالعات راپور ها، اخبار، تحلیل ها و مباحث منابع خبری امریکا و کشور های غربی و صحبت های شخصی با متخصصین امور است.

اول - عجله در سوقیات نظامی، نبود آمادگی لازم و توقعات بیجا در امر انکشاف اقتصادی:

الف - بخش نظامی :

تهاجم نظامی امریکا و متحدین برای از پا در آردن امیرات اسلامی طالبان در ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱ عیسوی تحت عنوان Enduring Freedom و Global War against Terrorism بروی دلایلی که همه میدانیم صورت گرفت ،

متعاقباً پای ملل متحد در زمینه کشانده شده در دسمبر سال ۲۰۰۱ فیصله نامه شماره ۱۳۸۶ شورای امنیت تأسیس قوای امنیتی بین المللی یعنی ISAF را برای تأمین امنیت حکومت مؤقت که از پدیده های کنفرانس بن بود منظور نمود. این قوت به یک تعداد معین عساکر ممالک عضو NATO برای دو سال در محدوده شهر کابل مستقر بوده فعالیت داشتند. و بعداً قوا توسعه یافته و باثر پیشنهاد کمیته خاص NATO رهبری ISAF در ۱۱ اگست سال ۲۰۰۳ به NATO سپرده شد. قوت های نظامی ممالک عضو و غیر عضو NATO به تعداد مختلف در افغانستان پیاده شدند ولی نقش اساسی بدوش NATO بوده و از لحاظ تعداد عساکر امریکا در ردیف اول قرار داشت که یک تعداد عساکر در چوکات NATO توظیف گردید و تعداد دیگر تحت امر و مراقبت مستقیم امریکا مبارزه علیه تروریسم را دنبال نمودند. سازمان NATO در زمان جنگ سرد در پهلوی دیگر سازمان ها و پکت های نظامی با ستراتیژی های معین و مشخص تعرضی و دفاعی برای یک جنگ

Conventional Warfare با نصب العین خاص و طرز العمل معین بنیان گذاری شده ستراتیژی های تعرضی و دفاعی آن در لوايح و تعلیمنامه های مشخص تثبیت گردیده بود و کلیه مساعی، انکشافات، عملیات و تطبیقات هر سه قوا، زمینی، هوایی و بحری در همین مسیر روان بود.

NATO بطور قطع برای مبارزه علیه تروریسم و جنگیدن با قوت های چلیکی نا منظم در اراضی دشوار آمادگی و تدبیر نداشت، اما ممالک عضو یونت های خاصی بدین منظور تربیت نموده بودند، گرچه عملیات گوریلایی دشمن آراسته با نظم و انضباط عسکری شامل برنامه های تطبیقاتی NATO بود، اما در جنگیدن با قوت های که نه علامات متفرقه داشتند و نه قرارگاه و پایگاه شناخته شده و با تشابهات کلی با مردمان ملکی و بیغرض در لایحه وظایف NATO گنجانیده نشده بود، تجارب تلخ ناکامی ها در چنین شرائط قید اوراق تاریخ حرب ممالک عضو بود. و قوت های مجهز NATO سیالیت مورد نیاز را با ایجاد دلگی های سریع حرکت، با عکس العمل آنی و در حالت آماده باش دائمی که از مشخصات عملیات دفاعی مبارزات چلیکی است نداشت.

سوقیات نیروی NATO با تمام وسایل سنگین و ثقیله نظامی به افغانستان در تحت چنین شرائط غرض پیش برد چنین جنگی با مشخصات معین آن نمودار عدم سنجش واقع بینانه نظامی و پلان گذاری دقیق بود، سوقیات نظامی در افغانستان باعجله صورت گرفته و تا حدی به اصطلاح بچه ترسانی بود. طرف مقابل با کمترین مصرف برق آسا هدفی را تعقیب می کنند در حالی که عکس العمل قوای مستقر بطی و پر مصرف بوده اتکاء به نیروی هوایی اشتباهات و تلفات مردم بیگناه و ملکی را بار آورده.

بررسی های بعدی بعد از سقوط دولت طالبان اداره افغانستان را توسط چند دولت مهاجم اولی (امریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا) بیشتر بصواب دانسته باید از سپردن کابل به نیرو های ایله جاری نام نهاد شمال جلوگیری می نمودند. ISAF باید برای جنگ چلیکی و تمام مشخصات و جوانب آن آمادگی و ترتیبات لازم مقدماتی را اتخاذ می نمود، عملیات افغانستان بحیث یک پدیده نو ظهور کاری در چوکات یک طرح عمومی با توافق و همکاری و تساند اعضای NATO باید مورد تطبیق قرار میگرفت.

این هم بستگی Coordination در سوقیات و عملیات ساحوی بطور قطع وجود نداشت هر عضو NATO مطابق میل و سلیقه خود ساحة فعالیت و نحوه برخورد خود را با مخالفین تعیین نمودند بدون اینکه از یک طرح عمومی مرکزی سوق و اداره پیروی صورت گیرد. حتی بعضی قوای نظامی NATO با پرداخت پول با مخالفین مسلح از دری معامله گری پیش آمدند.

تعهدات قوای نظامی را برای افغانستان میتوان چنین خلاصه نمود:

- ۱- تأمین امنیت سرتاسری و تحکیم دولت مرکزی در اداره مملکت.
 - ۲- گرچه جامعه جهانی تعهد رسمی برای حفظ تمامیت ارضی و دفاع از هر گونه تجاوز بر حریم افغانستان نسپرده بود اما به ایجاد مراحل ابتدایی اردو و پولیس ملی مردم افغانستان از ممالک شامل این ماجرا چنین توقعی داشتند.
 - ۳- تربیه، تجهیز و تسلیح نیرو های نظامی و امنیتی افغانستان.
- شواهد عینی در دست است که امنیت سرتاسری طوری که توقع میرفت تأمین نگردیده و دولت مرکزی تا هنوز توانمندی اداره کل مملکت را بدست نیاورده است. مخالفین مسلح در ولایات همجوار شهر کابل مستقر بوده و حتی بدروازه شمالی قصر ریاست جمهوری رخنه نمودند، هرزمانی که خواسته باشند حضور خویش را با حملات مسلحانه در پایتخت ثابت می سازند. حتی نفوذ طالبان در قوای نظامی، امنیتی و استخباراتی حدس زده می شود.
- NATO خوب میداند که مخالفین مسلح به حمایت و تحریک پاکستان امنیت را برهم زده و مردم را در بسی مناطق گروگان دارند. ولی امریکا علی الرغم فهم این موضوع موقف خود را تغییر داده اهداف اولی جنگ تعدیل گردیده اعلام نموده که ما با طالبان طرف نبوده و هدف ما قلع و قمع القاعده است و طالبان را بحیث مخالفین سیاسی مسلح نه تروریست

ها شناسایی نمودند، در حالیکه روزانه عملیات مختلف دهشت افگنی از طرف طالبان علیه قوای خودشان و مردم بیگناه افغانستان صورت میگیرد، در نتیجه امریکا شرائطی را برای مذاکرات صلح با طالبان پیشنهاد نمودند. نه تنها امنیت تأمین نگردید بلکه جنگ با شیوه های جدید بشدت خود ادامه یافت. تلاش های مرموز صلح جویی بجای اطمینان برای مردم هراس بیشتر بمیان آورده. فراهم آوری مقدمات صلح از راه مذاکره عاری از شفافیت بوده تا حال معلوم نیست که مرجع اصلی صلح کننده اولاد افغانستان است یا قدرت بیرونی. تشویش اینست که با تکرار تاریخ نتایج متشابه کنفرانس پاریس سال ۱۹۷۵ و توافق با ویتکانگ در افغانستان رخ ندهد. موقف NATO برای صیانت تمامیت ارضی افغانستان که عملاً تجاوز پاکستان را بحریم افغانستان اغماض نموده و امریکا از موقف پاکستان بطور علنی حمایت نمود اعتماد مردم افغانستان را به متحدین غربی بکلی مضمحل شد. البته قوای نظامی و امنیتی تنظیم و تشکیل گردید ولی تشکل قوا از لحاظ دیموگرافی و توازن قومی درسطوح بلند امر و اداره و افراد عادی هراس بر انگیز بوده و موجودیت غریزه ملی غرض دفاع از منافع علیای کشور درین ساختار ها قابل اطمینان نیست. هکذا در مورد تجهیز و تسلیح قوا با وسایل و تجهیزات مورد نیاز مخصوصاً قوای هوایی اقدام مؤثر و مؤجزی صورت نگرفته. امریکا و متحدین ده سال جنگ بی نتیجه و بدون برد را با مصارف گزاف و عواقب نا مطلوب دنبال نمود. اراکین بلند پایه امریکا و دول غربی بار ها گفتند این جنگ بُرد ندارد. ولی طرف مقابل هم علی الرغم تجهیز بیشتر و بکار بستن شیوه های ابتکاری در مبارزات خود کدام موفقیت چشم دید بدست نیاورده بلکه از نفوذ و دهشت افگنی شان در ولایات جنوب و جنوب غرب کاسته شده نفرت و انزجار مردم علیه شان بشکل مقاومت های خود جوش ملی طغیان نمود اما حمایت پاکستان با قوت و شدت خود از مخالفین مسلح کماکان دوام دارد. کشته شدن بن لادن به معنی محو القاعده نبوده هنوز با بخشایش پاکستان در مناطق سرحد آزاد فعالیت دارند و بمثابه اژدهای هفت سر این جریانی است که از بحیره احمر و شمال افریقا و جنوب و جنوب شرق آسیا فعال بوده و امکانات نفوذ آن در آسیای میانه و داخل چین هراس بر انگیزته.

ب : امور اقتصادی :

به باور نویسنده، رسیدگی به وضع اقتصادی افغانستان و طرح ریزی برای احیای مجدد آن مستلزم غور عمیق ومطالعات وسیع و دامنه دار با مدنظر داشت شرائط عینی ، استثنایی و بی سابقه این کشور توسط ممالک کمک دهنده و مؤسسات ذیدخل بین المللی بود. تعریفات عقب ماندگی، رو به انکشاف بودن و یا کمترین انکشاف یافته بحیث مشخصات قبول شده جهانی بحال زار و ویران افغانستان قابل تطبیق نبود. افغانستان از لحاظ دوام مصیبت و بحرانات ناشی از آن که جزء بربادی و ویرانی حاصلی نداشت، مملکتی که شیرازه زندگی اجتماعی و اقتصادی آن در دو دهه و سه سال بکلی ویران گردید باید بحیث یک معضله نهایت خاص اقتصادی و اجتماعی سوا از تدابیر عنعنوی ممالک کمک دهنده و مؤسسات بین المللی مورد غور قرار میگرفت، کلمه باز سازی ونو سازی یکجا بکار برده می شد بدین معنی که برای باز سازی تهداب و اساسی باید وجود میداشت که بالای آن بازسازی صورت میگرفت، این وطن از بیخ و بن ویران گردیده نه سر بنایی داشت و نه ته بنایی، طرز دید و طرح های عنعنوی ملل متحد و دیگر مؤسسات بین المللی جوابگوی نیازمندی های بخصوص افغانستان نبود، بلکه فاجعه افغانستان بایستی بطور مجزا بحیث یک مملکت ویران شده Devastated State مورد توجه قرار میگرفت.

توقع پلانگذاری، تعیین و تصنیف نیازمندی ها و شناسایی رجحانات از دولت نو بنیاد افغانستان که مؤسسات آن قلم وکاغذ میز و چوکی نداشت چه رسد به کدر های فنی تخصصی و ظرفیت های پلان سازی. کتاب ستراتیژی اقتصادی بسیار بیجا و قبل از وقت بود. امریکا و متحدین برای انکشاف اقتصادی افغانستان زحمت مشوره را با تکنوکرات های افغان که تجربه چندین ساله پلانگذاری داشتند و آدرس شان معلوم بود بخود نداده هر یک با تخیلات خود به افغانستان آمده طرح های بیرون ساخته و خود پرداخته خود را بالای افغانستان تحمیل نمودند.

اداره انسجام اقتصادی افغانستان توانمندی ترتیب ستراتیژی انکشافی افغانستان را نداشت از UNDP (اداره انکشافی ملل متحد) تقاضای تهیه این کاغذ را نمودند ، اداره انکشاف اقتصادی انگلستان برای برآورده ساختن این منظور مبلغ ۸،۱ میلیون دالر کمک نموده و امریکا و IMF هر کدام سهم گرفته و مصرف تهیه این ستراتیژی بالغ به ۱۵ میلیون دالر شده و ۵۰ نفر متخصص برای تکمیل آن استخدام گردید که در کنفرانس پاریس بحیث کاغذ رسمی افغانستان تقدیم گردید. این ستراتیژی که در ۴۰۰ ورق ترتیب گردیده بود دارای خلا ها و نواقص بیشمار بود. از جمله عدم تخمین مصارف پروژه های پیشنهاد شده بود.

معقول ترین شیوه بر خورد با معضله خاص اقتصادی افغانستان تدویر کنفرانس دول کمک دهنده Donors Conference که قبل از تعهد سپردن کمک های مالی یا Financial Pledges ماستر پلان انکشاف اقتصادی افغانستان توسط متخصصین امریکا، اروپا و جاپان طرح ریزی میگردد بنحوی که مسئولیت ساحات مشخص Sectors به یک یا چند مملکت کمک دهنده سپرده شده اهداف طرح شده ماستر پلان انکشافی مورد تطبیق قرار میگرفت درین شیوه کاری مأمورین پایانتز از وزیر افغانستان بحیث معاونین و همکاران Counterparts موظف گردیده کسب تجربه و فهم تخنیکی می نمودند.

گروپ New Conservatives دوره Bush بروی ایدیو لوژی اقتصاد بازار آزاد را بر افغانستان تحمیل نمودند(در عراق عین کار صورت گرفت)، در حالی که این وطن تازه سر خود را از ویرانه ها و توده های خاک بالا نموده نه از لحاظ زیر بنا ها، نه قوانین و نه انکشاف سکتور خصوصی در موفقی بود که اقتصاد باز آزاد را عملی، تطبیق و مراقبت نماید. منطق عامیانه حکم میکرد که در چنین مرحله جهش های اولی سکتور دولتی تقویه و فعال میگردد. ممالک غربی و در رأس امریکا توجه به احیای اقتصاد ملی افغانستان از لحاظ تولید و خلق عاید نکرده می خواستند افغانستان را به یک کشور ترانزیتی مبدل گردانیده به محاسبه ایشان تمام عواید ملی افغانستان از راه محصولات، تعرفه های گمرکاتی، حق العبورو عواید تجارتی و ترانزیتی تأمین گردیده و کمترین توجه به انکشاف سکتور های اساسی و سازنده اقتصادی مبدول گردید. دارایی های عامه از قبیل صنایع نساجی و سمنت سازی به عجله به سکتور خصوصی واگذار شد. گردانندگان سکتور خصوصی زور آوران و یا وابستگان زور آوران بودند که از طریق غارت دارایی عامه و سوء استفاده از کمک های باز سازی و انحصار در عقد قرار داد ها ثروت بی حساب اندوخته و زیر نام بازار آزاد انحصارات بزرگ را در تجارت مواد مهم ایجاد نمودند. و دیگران به پول FBI که برای فعالیت های جاسوسی پرداخته شده بد بحیث قهرمانان بازار آزاد داخل معرکه شدند.

متأسفانه ممالک بزرگ از دولت افغانستان توقع بیجا نموده به بازوی NATO ان و فهم نارسای آن تکیه نمودند. بخشی بزرگی که توسط خود ممالک کمک دهنده بمصرف رسید در فقدان یک پلان عمومی و همکاری و توافق همه جوانب بیشتر حیف و میل گردیده بهر دررفت. کسانی که در افغانستان چون اشرف غنی احمد زی، اسحق نادری، انور الحق زاخیل وال و امین فرهنگ همه ملا های تطبیق ناسنجیده مکتب بازار آزاد بدستور استخدام کنندگان خود در تنظیم امور اقتصادی افغانستان مسئولیت داشتند، بدون تعمق به شرائط عینی کشور وفاداری ایشان به این مکتب بیشتر از وفاداری شان به مادر وطن بود.

احیای راه افسانوی ابریشم و ترانزیتی ساختن افغانستان خیال پردازی و هوس بیجا بوده برای تجار بین المللی و تبادلات اموال راه های بمراتب ارزانتز و مصونتر میسر بود، در منطقه، چین برای توسعه تجارت خود با ممالک آسیای میانه راه های کوتاه تر و ارزانتز در اختیار داشت، متباقی دو مملکت بزرگ جنوب آسیا هندوستان و پاکستان که باید از دهلز افغانستان برای صدور تولیدات خود استفاده می نمودند نظر به اختلافات سیاسی پاکستان تحدیدات و تعزیرات خاص خلاف همه میثاق های و مقررات تجارت بین المللی در برابر عبور اموال هندوستان از خاک پاکستان وضع نمود که این امر باعث نزدیکی بیشتر هندوستان و ایران گردیده راه نو ابریشم را از طریق خاک ایران در نظر گرفتند. خلاصه آنچه دول غربی، امریکا و آی ام اف و بانک جهانی برای آینده افغانستان بحیث یک کشور ترانزیتی با عواید سر شار در نظر داشتند عملی نشد.

دولت افغانستان به رهنمایی دول کمک دهنده در سکتور معارف، صحت عامه و مواصلات سرمایه گذاری نموده در بخش معارف کیفیت فدای کمیت شده بیشتر شکل نمایشی و تبلیغاتی را گرفت و باعث ایجاد یک قشر بزرگ با سواد بیکار گردید، در صحت عامه نه تنها مرتکب گناه عظیم گردیدند بلکه با خصوصی ساختن طبابت جنایت بزرگ را مرتکب شدند. و این بخش مهم و حیاتی بایستی برای حد اقل ده سال تحت مراقبت، اداره و نظارت دولت می بود. و اطبا و ماهران طبی بحیث مأمورین دولت در مؤسسات طبی برای خدمت گماشته می شدند. هر ولایتی برسم رقابت پوهنتون های طبی را گشودند در حالیکه کدر علمی تدریسی، لابراتوار و کتب درسی وجود نداشت.

با تمام ظرفیتی که در سکتور زراعت موجود بود و میتوانست زمینه استخدام و خلق عاید و برگرداننده مهاجرین مناطق زراعتی از شهر ها به مناطق شان گردد، اصلاحات بنیادی در معرفی وسایل بهتر تولیدی از قبیل تخم اصلاح شده بذری و اجناس پر بار میوه جات و سبزیجات معرفی ابزار مؤلد، اصلاح و ترمیم شبکه های ویران شده آبیاری و تطبیق شیوه های پاسره یی از آب صورت میگرفت وبا ایجاد کوپراتیف های زراعتی زمینه اعطای قرضه های مناسب به زارعین را فراهم می آورد متأسفانه هیچنوع اقدام مؤثر صورت نگرفته.

افغانستان بحیث مملکت زراعتی شناسایی شده، ولی مشخصات براننده یک اقتصاد پیشرفته زراعتی در افغانستان وجود ندارد، زراعت در واحد های کوچک تولیدی اکثراً برای تکافوی مصارف خانوار زارع بوده مقدار ناچیز به بازار راه یافته و بعضاً بشکل عنعنوی تبادل جنس با جنس صورت میگیرد. میوه جات تازه و خشک در طول قرون در بازار های

شرق افغانستان فروش گردیده تا هنوز مقتضیات بازار های دورتر را بنابر امور پاک کاری و بسته بندی و تصنیف جنسیت پوره نساخته. اقدامات شعبات دولتی در تعقیب یک ستراتیجی مؤثر بازار یابی و ارتقای کیفیت تولیدات مطابق خواست بازار ناچیز و بطی بوده.

خشک سالی های متواتر و عدم کفایت تغذی حیوانی نفوس مواشی بشکل قهقرایی نزول نموده تدابیر لازم برای جبران آن گرفته نشده و تکثیر نسل های بهتر و مؤلد از لحاظ شیر، پشم، گوشت و تولیدات ضمنی اتخاذ نشده. مجموع زمین زراعتی افغانستان در حدود ۷،۸ میلیون هکتار تخمین گردیده که از آنجمله صرف ۴۲-۴۵ فیصد مورد بهره برداری قرار داشته هیچنوع ازدیادی در طول ده سال گذشته از لحاظ کمیت بوجود نیامده. توريد برق از ایران، ترکمنستان، تاجکستان و ازبکستان در وطنی که ظرفیت ها و امکانات وسیع تولید برق آبی وجود داشت در هیچ منطق اقتصادی ننگجیده خلق یک اسارت انرجی و متکی به منابع دیگران را ایجاد نمود. بحث روی تدابیر ناقص و عدم حمایه از سرمایه گذاری های ملی و سقوط یکی پی دیگر در NATO انی مقاومت در برابر سیل وارداتی حمایه شده ایران، پاکستان، هند و چین مثال های دل پر خون کننده دیگر است. جنگ های داخلی مهارت های حرفی قالیان بافان ما را که میراث پر افتخار نیاکان شان بوده مورد بهره برداری پاکستان و ترکیه قرار داده دیگر از قالیان ممتاز و جنسیت برارنده مروی و اندخویی و صنعت کُرک و برک که جایگاه و زادگاهش افغانستان بود خبری نیست. دولت افغانستان که در بین ورود قشون نظامی، سیل کمک های انکشافی و تعداد بیشمار مؤسسات انکشافی ممالک و مؤسسات بین المللی و تعداد مشاورین اضافه از ضرورت و تبارز سمارق وار NGO ها و پخیل سری هر کشور راه خود را گم کرده، تحمیل حدی سیاست های اقتصاد بازار آزاد زمینه پلان سازی وتصنیف رجحانات اقتصادی و تثبیت اولیت ها بر مبنای رفع نیازمندی های واقعی و مؤثر که بصورت دائروی موجب دوران چرخ تولید و انکشاف و تحرک اقتصاد ملی به اتکای منابع ملی گردد میسر نگردید، متأسفانه دولت برای جذب و هضم کمک های خارجی در عدم یک پلانگذاری مشخص و اساسی اقتصادی راه تورم تشکیلاتی و رسم تجمل و اصراف را در سروسورت دادن دفاتر بدون هیچنوع مؤلدیت و متمریت پیشه نمود. در امور ملکی کتابت ها به مأموریت ها و مأموریت ها به مدیریت ها و مدیریت ها به مدیریت های عمومی و مدیریت های عمومی به ریاست ها و ریاست ها به ریاست های عمومی ارتقاء یافت، هر وزارت صاحب چندین معین گردید و برای ده ها مشاور حق و ناحق بست خلق شد. در امور نظامی و امنیتی این تورم بی نهایت افراطی بود شاید افغانستان از لحاظ داشتن ستر جنرال، دگر جنرال ها و جنرال ها به مقایسه تعداد عساکر در دنیا درجه اول باشد. بطور مثال زمانی آمر حفظ و مراقبت سالنگ ها یک تورن استحکام بود ولی حالا همان وظیفه را یک دگر جنرال جهادی که شاید قبلاً معمار بوده باشد پیش می برد. این پنداندن تشکیلات نه تنها تسهیلاتی را بوجود نیآورد بلکه رسیدگی بکار هارا مغفلتر ساخته و زمینه فساد گستری را بیشتر فراهم آورد و از لحاظ لوازم و اساس الدفاتر عراده جات مال سال تجمل پرستی بحد اعلی خود است.

ج- دولت سازی:

امریکا برای تهاجم نظامی خود بر افغانستان توجیهاتی را بدینا ارائه نموده و چنین حقی را برای خود بخشید، اما در تشبثات دولت سازی پا از گلیم فراتر نهاده حق مسلم و مشروع افغانستان را غصب کرده و افغانستان را ملک متصرفه پنداشته اسناد ملکیت افغانستان را به اجیران، مشتریان سابقه و حلقات ضد طالبان سپرد. در حالی که در آن مرحله باید حکومت مؤقتی ایجاد می گردید که مورد اعتماد مردم قرار گرفته از شمول حلقات در گیر ماجرا ها و جنایات علنی خودداری می شد. این اولین تهدابی بود که برای برپادی و نابودی افغانستان گذاشته شد و در نتیجه ملت افغانستان کنار برده شده و گلوئی اکثریت خفه گردید و باثر فیصله کنفرانس بن اشخاص و حلقاتی بقدرت رسید که هر کدام قلمرو نفوذ خود را در داخل حکومت مرکزی پهن نموده با سوء استفاده از نفوذ خود بیشترین حصه کمک های خارجی را غارت و تورتونین، که در بر گیرنده سالهای ۲۰۰۱ عیسوی تا امروز است که تهداب و اساس آن توسط کنفرانس بن گذاشته شد که میتوان آنرا دور صحنه سازی ها، معامله گری ها، مصلحت گرایی ها، خدعه ها حبله ها، دسایس و دروغ ها، سود جویی ها، خود فروختگی ها و پیوند های بیرونی خواند که همه دست بدست هم داده موجبات پامال شدن نقش مردم و خفه ساختن صدای اکثریت را ایجاد نمود و وحدت ملی ویران شده را پاشان ترساخت، گسترش بیحدو حصر و بی سابقه غارت، چپاول، دزدی، بازی با اصل اساسی حاکمیت ملی با سوء استفاد قرار دادن دموکراسی توسط جعلکاری، خدعه و دسایس، گسترش نفوذ بیگانگان در جمیع شؤون زندگانی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دینی مردم و دورحکمرایی ستم پیشگان، جانیان، ناقضین علنی حقوق بنی آدم و معامله گران عزت، وقار، حیثیت و حتی سلامت سیاسی و ارضی افغانستان از مشخصات برارنده این دوران است.

دولت متشکله یک ساختار بی عرضه، نا بکار، نا اهل، بی کفایت و بالاتر از همه بدون احساس واقعی وطن پرستی و درک ماهیت خدمت بمردم توسط کنفرانس بن بر مردم افغانستان تحمیل نمود و مردم به اسارتی کشاند که تا امروز راه رهایی از آن را پیدا نتوانسته اند. ترکیب این دولت عبارت از یک عده تکنوکرات های بیرون استخدام شده گی که نمایندگان بانک ها، مؤسسات بین المللی، ممالک ردیف اول و ردیف های دومی و سومی و دیگران مردمان ذی نفوذ صاحب ثروت (که همه از راه نامشروع بدست آمده) و بصورت علنی دارای سوابق جرم و جنایت بودند توسط داد و ستد و معامله گری و مصلحت گرایی شخص اول مملکت (در انتخابات دوم کاملاً صلاحیت انتخاب آزاد داشت) بر اریکه قدرت تکیه زدند، زوردار بودند زورآورتر شدند، پولدار بودند و ثروتمندتر شدند، طبعاً با آگاهی از ذهنیت های جامعه هر سفره گسترده و هر مرجع زور با قدرت بخشیدن و تقرر پیروان و غنبر زنانی دور خود میداشته باشند تا که این وسایل از نزد شان گرفته شود، این یک واقعیت است و در انتخابات آینده نقش خود را دارد.

ارباب قدرت افغانستان از قانون چیزی نمی دانند در حالی که باید مجریان قانون باشند ولی در عمل خود قانون شکنان درجه اول اند.

درین میان ملت افغانستان است که راهش گم شده یک عده را ناچاری های اقتصادی بصوبی کشانده و دیگری را واهمه و ترس و رعب پیرو جانبی ساخته، مرجعی نیست که از حقوق مشروع دفاع نماید. حیثیت، عزت و مقدساتش پامال خواسته های زورمندان است. و دوازده سال است که حرف می شنوند و همه دروغ ولی عملی وجود ندارد.

امریکا و دوستان بار و بستر بسته اند و آمادگی غرض عودت بکشور های خویش دارند هنگام خروج اگر مجالی میسر گردد که به عقب بنگرند چه یادگاری برای ملت افغانستان بجا گذاشته اند.:

عدم توجه ممالک غربی در رأس امریکا در طرح و تطبیق برنامه های هماهنگ مؤلّد، مؤجّز و بنیادی برای رفع نیازمندی های مرجع افغانستان برای ارتقای سطح اقتصادی مردم با خلق عاید اضافی از منابع جدید انکشافی و اصلاحات اساسی منابع موجود بهره برداری و فراهم سازی زمینه کار در شهر ها، دهات و قصبات. بعد از یازده سال عامل بودن و شامل بودن در جمیع امور این کشور آیا اثری در شهر و قریه و قصبه از ساختار چشم دید و خاطره ساز امریکا، انگلستان، جرمنی، فرانسه، کانادا، هالند و غیره را می نگرید که با کتبیّه که بیرق افغانستان و مملکت کمک دهنده در آن حک شده باشد با نوشته که این پروژه بند بزرگ آب که بکمک فلان مملکت دوست ما اعمار گردیده یک میلیون جریب زمین را صالح الزراعه ساخته و این پیمان میگوید و یا این دستگاه نساجی در سال چند هزار متر تکه و یا دستگاه دیگر چندین هزار جوهر بوت و یا سامان پلاستیکی تولید نموده و یا چند هزار عراده بایسکل و رکشا را بسته بندی مینماید، و این دستگاه های بسته بندی و پاک کاری و یا عصاره سازی به این پیمان تولیدات زراعتی را بخارج صادر می نماید و یا اینکه امریکا و متحدین برای امتیاز بخشیدن به افغانستان بحیث یک مملکت جنگ زده حاضر به خرید انار و میوجات تازه افغانستان به قیمت بازار بین المللی گردیده علی البدلی برای کشت کوکنار معرفی میکردند. که اگر امکان میداشت تطبیق این پروژه باعث استخدام دو میلیون افغان گردیده و یا بعد از مطالعات دستگاه های ویران شده نساجی، سمنت، جن و پرس پخته، کود کیمیایی و استخراج گاز کشف شده و قابل استفاده احیا و فعال گردد.

هموطن مهربان !

آیا تحقق بخشیدن این اهداف معجزه میخواست؟ در برابر سرازیر شدن به این پیمان کمک بی سابقه، تنها روزانه 28 میلیون دالر از خریطه کمک امریکا، که بیشترین حیف و میل شد آیا یازده سال، ده سال نه و یا هشت سال مدت کافی نبود.

سالنگ در چند سال ساخته شد، بند سروبی و ماهی پر و نغلو و درونته، سرک کابل قندهار و هرات و سیستم عصری مخابراتی اتومات و شبکه ها برق حلقوی، ده فابریکه نساجی و فابریات تجارتي پخته، کود و برق مزار، تفحصات گاز و نفت شمال، تعمیر ات عصری و فشننگ مکاتب حبیبیه، استقلال، نجات و تعمیر بسویه و عالی پوهنتون کابل و صد ها مکتب و شفاخانه و مؤسسات طبی در چند سال و بکدام مصرف اعمار گردید و امثالهم. مجموع قرضه افغانستان در پلان پنجساله اول و دوم در حدود ۸۰۰ میلیون دالر بود.

اگر امروز دوستان غربی ما در وقت خروج به عقب می نگرستند و مشاهده میکردند که ارمغان حضور دوازده ساله شان برای افغانستان چیست؟ امنیت سرتاسری؟ دولت قوی و مردمی؟ اقتصاد قوی و متکی بخود؟ اردوی مسلح و مجهز و آماده بدفاع کشور؟ و به مردم خود می گفتند که ما یادگار های بزرگی برای افغانستان ایجاد نموده ایم اگر چنین می شد ما دوستان غربی خود را تا دم درب های خروجی بدرقه نموده و دستان شانرا فشار داده ضمن سپاس گذاری بعرض میرسانیدیم که همیشه به این وطن مهمان پرور بحیث میلمه خوش آمدید اما نه با عساکر تان.

پایان